

ضرورت احیای مفهوم علم مقدس در پارادایم مدرن تربیت

حمید آرمانی* | علی سلمانی**

چکیده

مفهوم علم مقدس در عصر حاضر به‌عنوان ضرورتی برای بازتعریف در پارادایم مدرن تربیت مطرح است. علم تنها پژوهش دنیوی درباره طبیعت نیست و می‌توان طبیعت را از سر دقت و با نگاهی منطقی و در عین حال از منظر قدسی به کاوش گرفت. پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه «علم مقدس» در نظام تربیتی معاصر و با اتکا به آرای سنت‌گرایانی چون نصر، شوان و گنون صورت گرفته است. این پژوهش که به روش تحلیل محتوای کیفی و استنتاج فلسفی انجام شده و با تحلیل مبانی فلسفی سنت‌گرایان در سه محور، در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که چگونه می‌توان با احیای مفهوم علم مقدس، بحران معنویت در پارادایم مدرن تربیت را مورد توجه قرار داد. این پژوهش علاوه بر تبیین فلسفی، الگویی عملیاتی برای تلفیق علم مقدس در برنامه‌ریزی تربیتی معاصر ارائه می‌دهد. دستاورد نوآورانه این پژوهش، ارائه چارچوبی کاربردی برای بازطراحی برنامه‌های تربیتی با تکیه بر اصول علم مقدس است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که علم مقدس به مثابه دانشی جامع‌نگر، می‌تواند با تأکید بر اهدافی همچون «پرورش بعد متعالی انسان»، «کشف عظمت درونی یا هویت‌یابی معنوی»، «ایجاد هماهنگی بین ساحت‌های مختلف وجودی» و «نظم‌بخشی به نفس»، زمینه‌ساز تربیتی متوازن و همه‌جانبه گردد.

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول). (hamid.armani@icloud.com)

** عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا فلسفه هنر. (salmani@basu.ac.ir)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳؛ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱)

□ آرمانی، حمید؛ سلمانی، علی (۱۴۰۴). ضرورت احیای مفهوم علم مقدس در پارادایم مدرن تربیت، *فصلنامه حکمت اِسرائ*،

۴ (۵۱)، ۱۱۷ - ۱۴۴. | doi: 10.22034/hi.2025.553415.2129

روش‌های پیشنهادی در این راستا شامل بازنگری در مفهوم دین، بهره‌گیری از هنر مقدس، تعادل بخشی به عقل، و توجه به مسیر درونی است. در نهایت، این پژوهش بر این نتیجه تأکید می‌ورزد که رویکرد سنت‌گرایانه با تکیه بر بن‌مایه‌های معنوی و حکمت جاودان، نه تنها ظرفیت لازم برای غنا بخشیدن به پارادایم مدرن تربیت و زدودن غبار تک‌بعدی‌نگری را داراست، که می‌تواند به تعالی معنوی و تکوین هویت یکپارچه و متعادل انسانی در رویارویی با پیچیدگی‌های جهان نو بینجامد.

کلیدواژه‌ها

سنت‌گرایی، علم مقدس، تربیت معنوی، حکمت جاویدان، بحران مدرنیته.

مقدمه

در دنیای مدرن امروز، پیشرفت‌های شگرف در علم و تکنولوژی، انسان را به دستاوردهای مادی بی‌سابقه‌ای رسانده است. با این حال، این پیشرفت‌ها همواره با بحران‌های معنوی و هویتی همراه بوده‌اند. انسان معاصر، که به دلیل دوری از امر قدسی و معنویت، آرامش درونی خود را از دست داده است، لذا در جستجوی بازگشت به ارزش‌های بنیادین و معنوی است. این بحران‌ها نه تنها در زندگی فردی انسان اثرگذار بوده‌اند، که نظام‌های اجتماعی و تربیتی را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند.

نظام تعلیم و تربیت مدرن، با تأکید بر جنبه‌های مادی و تک بعدی، اغلب از پرداختن به ابعاد باطنی و معنوی انسان غفلت کرده است. این وضعیت، خلأی عمیق در رشد متوازن انسان ایجاد کرده و نیاز به بازتعریف تربیت بر اساس اصول قدسی و معنوی را بیش از پیش برجسته کرده است. در این میان، سنت‌گرایان با تأکید بر حکمت جاودان و احیای علم مقدس، راهکاری جامع برای بازسازی هویت انسانی و تربیت متعالی ارائه می‌دهند.

سنت‌گرایان بر این باورند که علم و معرفت نباید صرفاً به مطالعه دنیوی عالم محدود شود؛ که باید از منظر قدسی نیز مورد توجه قرار گیرد. آنان معتقدند که تربیت باید تمامی امکانات وجودی انسان را دربرگیرد و او را به سوی وحدت درونی، شناخت حقیقت، و آرامش هدایت کند.

این مقاله تلاش دارد تا با بررسی مبانی فکری سنت‌گرایان، ضرورت احیای ارزش‌های قدسی در نظام تربیتی مدرن را مورد تحلیل قرار دهد. همچنین، با تأکید بر اهمیت هنر مقدس و وحدت متعالی ادیان، راهکارهایی عملی برای بازیابی معنویت و تعادل در زندگی انسان مدرن ارائه می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش، نشان دادن این نکته است که تبیین علم مقدس می‌تواند پاسخی به بحران‌های معنوی عصر حاضر باشد و زمینه‌ای برای تحقق تربیتی جامع و متعالی فراهم آورد.

بیان مسأله

در عصر مدرن، پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی به انسان دستاوردهای مادی بی‌سابقه‌ای بخشیده است، اما در عین حال بحران‌های عمیق معنوی و هویتی را نیز به همراه داشته است. این بحران‌ها نه تنها در سطح فردی که در نظام‌های اجتماعی و تربیتی نیز نمود یافته‌اند. انسان معاصر، که تحت تأثیر ارزش‌های مادی‌گرایانه و سکولار قرار گرفته، از ارتباط با امر قدسی و معنویت فاصله گرفته است. این گسست از امر قدسی، آرامش درونی و تعادل وجودی انسان را مختل کرده و او را در مواجهه با چالش‌های زندگی مدرن، به نوعی آشفتگی و بی‌معنایی سوق داده است.

نظام تعلیم و تربیت مدرن نیز از این بحران‌ها بی‌نصیب نبوده است. تأکید بر جنبه‌های کمی آموزش و غفلت از پرورش ابعاد معنوی و اخلاقی انسان، منجر به تربیت افرادی شده که هرچند در مهارت‌ها و دانش فنی توانمند هستند، اما از نظر معنوی و اخلاقی دچار کمبودهای جدی‌اند. این وضعیت، ضرورت بازتعریف نظام تعلیم و تربیت بر اساس ارزش‌های قدسی و معنوی را بیش از پیش برجسته کرده است. پارادایم مدرن تربیت اغلب به جنبه‌های ظاهری زندگی انسان پرداخته و ابعاد باطنی و روحانی او را نادیده گرفته است؛ امری که باعث ایجاد خلأ معنوی و عدم تعادل در رشد انسان شده است.

در این میان، سنت‌گرایی به‌عنوان یک جریان فکری که بر حکمت جاودان و ارزش‌های قدسی تأکید دارد، تلاشی را برای بازگشت به اصول معنوی و بازسازی هویت انسانی آغاز کرده است. سنت‌گرایان بر این باورند که علم و معرفت نباید صرفاً به مطالعه دنیوی عالم محدود شود؛ که باید از منظر قدسی نیز مورد توجه قرار گیرد. آنان معتقدند که بازخوانی علم مقدس می‌تواند راهی برای احیای ارزش‌های معنوی و رفع بحران‌های معنوی عصر حاضر باشد. علم مقدس بر این اصل استوار است که شناخت طبیعت و هستی باید با نگاهی قدسی همراه باشد تا به درک

عمیق‌تر از حقیقت بینجامد.

مسأله اساسی این است که چگونه می‌توان ارزش‌های قدسی را در پارادایم مدرن تربیت احیا کرد؟ چگونه می‌توان تعادلی میان جنبه‌های مادی و معنوی زندگی برقرار ساخت؟ و چه روش‌هایی می‌توانند به تربیت انسان‌هایی منجر شوند که علاوه بر توانمندی‌های علمی، از نظر اخلاقی و معنوی نیز رشد یافته باشند؟ این پرسش‌ها نیازمند بررسی عمیق مبانی فکری سنت‌گرایان و ارائه راهکارهایی عملی برای احیای ارزش‌های قدسی در نظام تربیتی هستند.

از دیدگاه سنت‌گرایان، هنر مقدس، تعلیم حکمت جاودان، و احیای امر قدسی ابزارهایی کلیدی برای تربیت انسان جامع‌نگر هستند. هنر مقدس با ایجاد زیبایی و جذابیت، می‌تواند حس معنویت را در انسان زنده کند و او را به سوی حقیقت متعالی هدایت نماید. تعلیم حکمت جاودان نیز می‌تواند ابزاری برای تهذیب نفس و تقویت عقل شهودی باشد که انسان را از سطح ظاهری امور به عمق معنوی آن‌ها سوق دهد. با احیای امر قدسی از طریق نیایش، سیر عرفانی، و بهره‌گیری از تعالیم و حیانی می‌توان زمینه‌ای برای اتصال دوباره انسان به مبدأ الهی فراهم آورد.

با این حال، چالش‌هایی نیز در مسیر احیای ارزش‌های قدسی وجود دارد. یکی از این چالش‌ها مقاومت جامعه مدرن در برابر تغییر نگرش‌ها و پذیرش دوباره سنت‌ها است. نسل جدید که در فضای دیجیتال و تکنولوژی رشد یافته‌اند، ممکن است ارتباط کمتری با مفاهیم سنتی برقرار کنند. علاوه بر این، رسانه‌ها و ابزارهای مدرن نیز نقش مهمی در سکولاریزه کردن جوامع ایفا کرده‌اند که ممکن است تلاش برای احیای فرهنگ سنت را دشوارتر سازند. این پژوهش تلاش دارد تا با تحلیل مبانی فکری سنت‌گرایان، ضرورت احیای علم مقدس در نظام تربیتی مدرن را بررسی کرده و راهکارهایی عملی برای احیای ارزش‌های قدسی ارائه دهد. هدف اصلی آن است که نشان دهد بازگشت به سنت می‌تواند پاسخی به بحران‌های معنوی عصر حاضر باشد و زمینه‌ای برای تحقق تربیتی جامع و متعالی فراهم آورد.

روش پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از روش استنتاجی و با اتکا به چارچوب قیاسی فرانکنا در پژوهش‌های هنجارین انجام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق تحلیل محتوای کیفی متون اصلی سنت‌گرایان استخراج گردید. فرآیند استنتاج در سه مرحله نظام‌مند صورت گرفته است:

مرحله اول: گردآوری و تحلیل گزاره‌های پایه

۱. گزاره‌های هنجارین: استخراج اهداف و اصول تربیتی از متون سنت‌گرایان ۲. گزاره‌های واقع‌نگر: تحلیل بحران‌های معنوی عصر مدرن و داده‌های فلسفی.

مرحله دوم: قیاس عملی

با ترکیب این دو دسته گزاره، قیاس‌های عملی زیر شکل گرفت:

- قیاس ۱: اگر انسان موجودی دو ساحتی و تربیت باید تمام ابعاد انسان را پرورش دهد، آنگاه تربیت موجود باید به بعد معنوی توجه کند.

- قیاس ۲: اگر عصر مدرن با بحران معنویت مواجه است و علم مقدس می‌تواند معنویت را احیا کند، آنگاه احیای علم مقدس در تربیت ضروری است.

مرحله سوم: استنتاج اصول تربیتی

از این قیاس‌ها، اصول تربیتی زیر استنتاج شد: ۱. اصل توجه توأمان به ساحت‌های مادی و معنوی ۲. اصل بهره‌گیری از هنر مقدس به عنوان واسطه تربیتی ۳. اصل تعادل‌بخشی بین عقل استدلالی و شهودی ۴. اصل بازنمایی دین در قالب زیبایی‌شناختی.

با ترکیب این دو نوع گزاره، قیاس عملی شکل گرفت که نتیجه آن استنتاج اصول، اهداف و روش‌های تربیت قدسی بود. در نهایت، راهکارهای عملی برای احیای ارزش‌های قدسی در

نظام تربیتی مدرن ارائه گردید. (باقری، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۲-۱۰۵).

پیشینه پژوهشی

عمده آثار منتشر شده در باب سنت‌گرایی بیشتر به وجوه فلسفی و دینی این جریان پرداخته‌اند و هیچکدام به طور خاص به موضوع این نوشتار نپرداخته‌اند. پژوهش‌های نزدیک به موضوع حاضر عبارت است از: در مقاله‌ای تحت عنوان جایگاه هنر مقدس در تربیت عصر نوین (آرمانی، ۱۴۰۱) بیان شد که در عصری که چهره عالم تک بعدی تصویر شده، نگرش‌ها مادی‌گرایانه پرورش یافته و موجب تقدس‌زدایی و راز‌زدایی از عالم گشته، سنت‌گرایی در صدد است جلوه حقیقی عالم را بواسطه هنر مقدس بنمایاند و حقایق دین را که به تاریکی گراییده احیا کند. دینی که طریق صحیح زیستن را می‌آموزد، اکنون در شرایط مدرنیته جلوه‌ای نازیبا و دافع به خود گرفته؛ هنر مقدس سببی است به جهت نمایاندن تصویری ورای تصور عصر نوین از حقایق عالم. نویسنده نقش و جایگاه هنر در تربیت را ترسیم نموده اما سنت‌گرایی مؤلفه‌های تربیتی دیگری نیز دارد که شایسته توجه و تبیین است. معنا‌زدگی و بی‌هویتی انسان مسلمان در جهان مدرن (زارع و دیگران، ۱۳۹۵) در این مقاله به بیان نویسنده هم‌زمان با پیشرفت‌های سریع جهان مدرن، سنت‌ها و امور معنوی و اعتقادی که در جهان قبل از مدرن مأوا و ملجأی برای انسان قلمداد می‌شد و همچون روحی در کالبد جهان، به جهان هویت و معنا می‌بخشید، مورد غفلت قرار گرفتند. از این رو شناخت معناگرایی در جهان مدرن در خور توجه است. رابطه سنت‌گرایی با معرفت دینی (حسن زاده و شیخ، ۱۳۹۵) در این مقاله جریان سنت‌گرا، هر سنتی را جلوه‌ای از جلوه‌های خورشید هدایت و موجی از دریای حقیقت می‌داند. وحدت متعالی ادیان از جمله مؤلفه‌های گفتمان سنت‌گرایی است که به نوعی حاصل رویکرد آنان را به ادیان نشان می‌دهد. از این منظر، اختلاف میان ادیان، سطحی و ظاهری است و همه ادیان در سطحی متعالی به وحدت می‌رسند. تبیین تطبیقی مبانی فلسفی رویکرد سنت‌گرایانه سیدحسین نصر و رویکرد نوگرایانه نصر حامد ابوزید در آسیب‌شناسی تربیت دینی (باقری‌نیا، ۱۳۹۴) هدف اصلی این پژوهش بررسی تطبیقی قابلیت‌های دو رویکرد جدید در حوزه آسیب‌شناسی تربیت دینی بوده است و به تفاوت

هایی که در مبانی فلسفی با یکدیگر دارند. نویسنده هر دو رویکرد را واجد کثرت‌گرایی می‌داند. ساحت و حیانی دین از منظر سنت‌گرایان و نواندیشان دینی معاصر (فرهنگ، ۱۳۹۴) بیان شده که منظور از ساحت و حیانی دین، مجموعه ویژگی‌هایی است که دین در بدو شکل‌گیری کسب می‌کند. این ساحت به طور معمول، شامل اموری همچون مبانی ایمانی، متون مقدس، سنت بنیان‌گذار، تعالیم و مناسک اولیه می‌شود. نقد و بررسی وحدت‌متعالی ادیان در گفتمان سنت‌گرایی (مهدی و کرباسی، ۱۳۹۰) بیان کردند که وحدت‌متعالی ادیان، از جمله مؤلفه‌های گفتمان سنت‌گرایی است که به نوعی حاصل رویکرد آنان را به ادیان نشان می‌دهد. پس از تشریح محتوای اصول یاد شده از نظر سنت‌گرایان، به نقد و بررسی این مفهوم در گفتمان سنت‌گرایی می‌پردازد.

مروری بر تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که اغلب تحقیقات انجام شده مرتبط با موضوع حاضر، به مبانی فکری و فلسفی سنت‌گرایان پرداخته‌اند. از آنجا که تا کنون اصل علم مقدس به‌طور ویژه از نگاه تربیتی مورد بررسی قرار نگرفته این پژوهش بر آن است تا جنبه‌های تربیتی مورد نظر سنت‌گرایان را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. به دلیل اهمیت مسأله تربیت در امروز و هر زمانی و هم‌تلقی خاصی که این مکتب از سنت، دین و معنویت در تربیت می‌تواند داشته باشد، قابل توجه و حائز اهمیت است. این پژوهش تلاشی است در جهت بازبازی حالت تعادل در دنیای مدرن محشون از طعنه و وارونگی؛ می‌طلبد حقایق ماوراء طبیعی به درستی تعبیر و تفسیر شود، شرح و بیان این حقایق، برای هضم و جذب شدن است و نه برای اندیشه شدن صرف؛ باید به موضوعات متعلق به جهان انسانی معنوی و سنتی پرداخته شود زیرا جهت وجودی تعلیمات انسان است. تربیت قدسی می‌گوید عقل مادی محض به تنهایی برای تدبیر امور بشری کافی نیست؛ بشر نیاز به عقل معنوی نیز دارد. احیای مقوله علم مقدس امروزه یک ضرورت است. علم تنها پژوهش دنیوی درباره طبیعت نیست و می‌توان طبیعت را از سر دقت و با نگاهی منطقی و در عین حال از منظر قدسی به کاوش گرفت.

پیشینه نظری

سنت و سنت‌گرایی

سنت‌گرایی به عنوان یک جریان فکری به دست اندیشمندانی چون گنون، کوماراسوامی و شوان هویت مستقلی یافت و تا به امروز با نصر ادامه دارد. این جریان در تقابل با مدرنیته و بحرانهای حاصل از آن نمایان شد و مدعی بازگشت به سنت و حاکمیت آن در تمام شئون زندگی است. معرفی سنت‌گرایی در یک نگاه کلی بدین صورت است: «گنون نخست در قرن بیستم به صورت آشکار از سنت‌گرایی سخن گفت. چندی بعد، مکتب قابل توجه سنت‌گرایی با گنون، کوماراسوامی و شوان، که در این گروه به عنوان شارحان برجسته جهان‌بینی دیرپای همه مردمان ماقبل تجدد شناخته می‌شوند، پا به عرصه ظهور گذاشت. این جریان با مطالعات بورکهارت، پالیس، لینگز و پری توسعه یافت و به گفتمان و جریان فکری خاصی بدل شد و تا نصر به عنوان برجسته‌ترین فرد سنت‌گرا در عصر حاضر ادامه دارد» (الدمو، ۱۳۸۹، ص. ۲۰-۱۹). سنت‌گرایان، بنا به تعریف، «عهده‌دار شرح و بیان فلسفه (حکمت) جاویدان اند که در بطن ادیان گوناگون و در پس صورت متکثر سنت‌های متفاوت جهان قرار دارد». سنت‌گرایان خود را وقف حفظ و توضیح صور سنتی می‌دانند که برخاسته از ادیان و حیانی هستند و دارای اثربخشی معنوی بسزایی است (همان، ص. ۲۰).

معنای سنت در سنت‌گرایی دارای تعاریف گوناگونی است؛ برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سنت رشته‌ای که تمدن را به وحی می‌پیوندد. صورت کوتاه شده یا رمز نوشته‌ای برای یک جهان‌بینی عام، انتقال موثر اصول و مبادی با منشأ فرابشری و در ناب‌ترین معنایش حقیقت ازلی است (الدمو، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۹). حقیقت یگانه‌ای که همواره بوده و هست. این سنت ازلی مبدأ همه حقایق است و همه سنت‌های زمینی، در واقع تجلیات این سنت آسمانی، ثابت و ازلی بوده و با آن مرتبط اند. و در معنای کلی‌تر می‌توان مشتمل بر اصولی دانست که انسان را به عالم بالا پیوند می‌دهد (نصر، ۱۳۸۲، ص. ۱۶۵). سنت‌گرا بودن به معنای التزام به یکی از سنت‌های دینی است.

سنت‌گرایی تنها مستلزم نوعی تصدیق و پذیرش ذهنی نیست، که تعهد و التزام کل وجود شخص را مطالبه می‌کند (الدمدو، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۵). در دیدگاه سنت‌گرایی سنت را نمی‌توان با دین صرفاً یکی دانست؛ دین صورتی از سنت است، لیکن نه صورتی جامع از این رو سنت فراگیرتر از دین است هر چند که دین همیشه نسبت بسیار نزدیک با سنت دارد (گنون، ۱۳۸۸، ص. ۹۴). زمانی می‌توان تبیین درستی از سنت به دست آورد که منظور سنت‌گرایان از حکمت جاودانه مشخص شود. مهمترین اعتقاد سنت‌گرایان، عقیده به حکمت جاودانه ای است که لب تمام ادیان است و هر سنتی تجلی خاصی از آن می‌باشد. حکمت جاودان، همان حکمت ماندگار، ازلی و ابدی است، که در قلب همه سنت‌ها، جای دارد و عالی‌ترین یافته آدمی است. و می‌تواند الگوی زندگی آدمی قرار گیرد (نصر، ۱۳۸۰، ص. ۵۸). از دیدگاه سنت‌گرایان، تمامی ادیان دارای وحدت درونی هستند. به تعبیر دیگر، آنان معتقدند که ادیان بیش از یک حقیقت ندارند. امر قدسی حاکی از تجلی عوالم برتر در ساحت‌های نفسانی و مادی هستی است. منشأ صدور امر قدسی عالم روحانی است که فوق ساحت روانی یا عالم نفس قرار دارد که هرگز نباید با آن اشتباه شود (همان، ص. ۵۹).

در تعریف سنت‌گرایی، سنت‌گرا بودن یعنی ملتزم بودن به یک سنت دینی خاص و ملتزم بودن به طلب فهمی از حکمت خالده (الدمدو، ۱۳۸۹، ص. ۴۲۶). سنت‌گرایی تنها مستلزم نوعی تصدیق و پذیرش دینی نیست، که تعهد و التزام کل وجود شخص را مطالبه می‌کند، تعهد و التزامی که با مشارکتی مستقیم در یک سنت زنده به منصفه ظهور می‌رسد (همان، ص. ۱۵۵).

سنت و دین

در دیدگاه سنت‌گرایی سنت را نمی‌توان با دین صرفاً یکی دانست؛ دین صورتی از سنت است، لیکن نه صورتی جامع؛ از این رو سنت فراگیرتر از دین است هر چند که دین همیشه نسبت بسیار نزدیک با سنت دارد (گنون، ۱۳۸۸، ص. ۹۴). در این عالم هستی سلسله مراتبی است که حیات انسان اتفاق می‌افتد و معنادار می‌گردد. دین نه تنها کلید فهم این عالم هستی است، که همچنین وسیله

عمده ای است که با آن انسان می‌تواند از طریق مراحل پایین وجود به محضر الهی سیر کند (نصر، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۸). در سنت‌گرایی هر دینی خودبسنده است و هرآنچه را که برای تقدیس و رستگاری انسان ضروری است دربر دارد (الدمدو، ۱۳۸۹، ص. ۲۷۳). آنان معتقدند همه ادیان دارای حقیقت هستند و هر کدام روش خاص خود را برای سعادت دارا هستند.

دین و تربیت

سنت‌گرایان معتقدند تربیت در خارج از دین نیز می‌تواند رخ دهد اما به جهت اینکه کل وجود شخص را در بر نمی‌گیرد در نتیجه تربیت کاملی نخواهد بود. هدف تربیتی آنان نیز در این راستا است که آن ابعادی از فرد که مغفول مانده را رشد دهد بنابراین باید هدفی تربیتی را دنبال کند. همچنین معتقدند در دنیا هیچ نگرش کاملی به تعلیم و تربیت در کار نیست (جهاننگلو، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۶). همچنین می‌گویند، تقطیع و جداسازی تعلیم و تربیت از دیگر فعالیت‌های اجتماعی، بی‌گمان کل جامعه را به مخاطره می‌افکند. از این رو پرورش همه اجزای وجودی آدمی را باهم و به یک اندازه می‌دانند از مهم‌ترین ابزارهای تربیتی که در اختیار دارند هنر در موضوعات مختلف است و قابلیت و کارکرد هنر مقدس نیز در ایجاد کل یکپارچه از آدمی است که در ادامه توضیح داده خواهد شد (همان، ص. ۱۲۱).

بازنگری در مفهوم دین

با توجه به تعریف ویژه سنت‌گرایان از دین، آن را راهی برای اتصال انسان به مبدأ الهی و یافتن آرامش درونی می‌دانند. در دنیای مدرن، بازنگری در مفهوم دین باید بر جنبه‌های معنوی و انسانی آن تأکید داشته باشد، به گونه‌ای که بتواند پاسخگوی نیازهای واقعی انسان معاصر باشد. دین نباید صرفاً مجموعه‌ای از قوانین خشک و بی‌روح تلقی شود، که باید به‌عنوان منبعی برای تعالی روحی، اخلاقی و شکوفایی فردی معرفی گردد. همچنین، دین باید نقشی به‌عنوان پلی میان سنت و مدرنیته ایفا کند؛ به این معنا که ضمن حفظ اصول اصیل خود، تعادلی میان

ارزش‌های سنتی و نیازهای مدرن ایجاد نماید. وحدت متعالی ادیان می‌تواند به تساهل و پذیرش تنوع فرهنگی کمک شایانی کند. در این میان، هنر مقدس با زیبایی و جذابیت خود، توانایی وصول انسان به معنویت را دارد. دین باید به‌گونه‌ای بازتعریف شود که انسان مدرن آن را نه به‌عنوان محدودیت، که راهی برای رسیدن به آرامش، معنا و سعادت حقیقی بپذیرد.

بازخوانی حکمت جاویدان

عبارت یگانه و منحصر به فرد فلسفه جاودان به چیزی اشاره دارد که می‌کوشد انسان امروزی را از هزارتوی جهل و نادانی که جهان مدرن بدان گرفتار آمده است نجات دهد (کوئین، ۱۳۹۵، ص. ۴۱). حکمت جاودان می‌تواند کلید فهم کامل و تمام‌عیاری هم برای دین و هم برای ادیان و نیز پیچیدگی‌ها و رمز و رازهای یک دین واحد، اهمیت و ارزش کثرت ادیان و روابط متقابل شان به دست دهد (نصر، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۶).

حکمت جاویدان، همان حکمت ماندگار، ازلی و ابدی است که در قلب همه سنت‌ها، جای دارد و عالی‌ترین یافته آدمی است و می‌تواند الگوی زندگی آدمی قرار بگیرد. «حکمت جاویدان به چیزی اشاره دارد که می‌کوشد انسان امروزی را از هزارتوی جهل و نادانی که جهان مدرن بدان گرفتار آمده است نجات دهد» (کوئین، ۱۳۹۵، ص. ۴۱).

ماهیت انسان

در نگاه لینگز «میل به آزادی، بیش از هر چیز، میل به خداست. آزادی مطلق از ضروریات الوهیت است» (لینگز، ۱۳۹۶، ص. ۷۸). انسان‌شناسی سنت‌گرایی عرضه می‌دارد که او از اهمیت محوری برخوردار است طوری که دارای نیرو و ابزار درونی شناخت نامتناهی است (شوان، ۱۳۸۱، ص. ۲۱). شوان معنویت را سیر به سوی حقیقت و حقیقت را رفتن از اوهام به سوی واقعیت اعلی به مدد عقل عقل می‌داند. «فضیلت، زیبایی و نیایش» را از شیوه‌های وصول به حقیقت می‌داند (شوان، ۱۹۸۱، ص. ۷-۸). منظور از عقل عقل به کارگیری یکپارچه عقل و دل در انکشاف حقیقت است.

ماهیت انسان در نظرگاه سنت‌گرایان چنین است که «انسان اهل معنی، گرچه در خارج، تحت سیطره طبیعت است، در درون، حاکم بر همه اشیاء است، غالباً بخاطر این است که چنین فردی بر هویت درونی خود حاکم گشته است». با اغراق در حاکمیت طبیعت، روند معکوسی رخ می‌دهد، یعنی ظاهر و صورت بر طبیعت چیره می‌شود با فقدان کامل ریاضت، اصول معنوی و نفی خود ترکیب شده و در نتیجه، انسان را بیشتر اسیر هواهای خود و تمایلات طبیعی می‌سازد. اما «انسان معنوی که بر هواها تسلط یافته باشد و تجلی‌گر حقیقت و تجسم آن شود، قطبی می‌شود که جهان معطوف به آن است» (نصر، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۷).

حاکمیت امر قدسی

حاکمیت امر قدسی را می‌توان حاکمیت وحی نیز نامید چون وحی اصیل‌ترین و بارزترین تجلی امر قدسی می‌باشد. همه موجوداتی را که در عالم مشاهده می‌کنیم حکایت از امر قدسی دارد. همه چیز نشانه امر قدسی است، اما برجسته‌ترین بحث امر قدسی در زمین وحی است. «وحی همان صورت‌بندی تجسد یافته امر قدسی است (نصر، ۱۳۸۰، ص. ۵۹).

سنت‌گرایان معتقدند، انسان مدرن درک و فهم امر قدسی را از دست داده و در ناپایداری و بی‌قراری غرق شده است. لذا، برای ارضای نیاز به هزار و یک راه، از درمان‌های روان‌شناختی گرفته تا عرفان متأثر از مواد مخدر، توسل می‌جوید (نصر، ۲۰۰۳، ص. ۳). بنابراین، در پناه حکمت خالده آنچه اولویت می‌یابد، اصول و موازینی است که نه فقط با عقل استدلال‌گر و فهم ظاهری که به مدد اشراق و شهود باطنی قابل استناد و استفاده است (نصر، ۱۹۸۸، ص. ۱۳۵).

در نگاه سنت‌گرایان هرآن چیزی که نشانی از ذات قدسی حق را متجلی می‌سازد و به نوعی به آن مرتبط می‌شود، امری قدسی است. بهترین راه برای وصول به معنای امر قدسی مرتبط ساختن آن با ذات لایتغیر است (نصر، ۱۳۹۵، ص. ۲۸۹). شناخت امر قدسی منجر به رهایی و رستگاری از هرگونه بردگی و محدودیت می‌شود (نصر، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۱). احیای مقوله علم مقدس امروزه یک

ضرورت است. خلا معنویت همان حلقه مفقوده عصر مدرن در نظر سنت‌گرایان است که بازیابی آنرا ضرورتی به اندازه نفس کشیدن می‌دانند (نصر، ۱۳۹۵، ص. ۲۹۲).

حقیقت یگانه ادیان

سنت‌گرایی از دریچه معنوی به پدیده‌های عالم می‌نگرد و در پس هر شیئی معنای متصل به حقیقت نامتتها را می‌بیند مهمترین آموزه معرفتی سنت‌گرایان، «وحدت‌گرایی باطنی ادیان» یا به تعبیر شوان وحدت استعلایی ادیان» است (شوان، ۱۳۸۱، ص. ۵۵). از دیدگاه سنت‌گرایان، تمامی ادیان دارای وحدت درونی هستند. به تعبیر دیگر، ادیان بیش از یک حقیقت و گوهر ندارند. تنها شرایط تاریخی و اجتماعی موجب شده تا این دین و حقیقت و یا سنت واحد، چهره‌ها و یا قالب‌های متفاوت به خود بگیرد. در واقع، تکرار ادیان به جهت سیر تاریخی بوده، نه به جهت باطن و گوهر دین و آن در نزد خدا از وحدت برخوردار است (شوان، ۱۹۷۶، ص. ۲۲). سنت‌گرایان، از ادیان مختلف که دارای مبدأ واحدی هستند، با عنوان «کثرت صور قدسی» یاد می‌کنند و معتقدند تنوع ادیان را باید در بحث تفکیک صورت از حقیقت مطلق، مورد مطالعه قرار داد (شوان، ۱۳۸۱، ص. ۴۱).

مطابق این اصل، تربیت دینی باید طوری باشد که وراثت ابعاد اختلافات، به جایگاه انسانیت و موضوع مشترک نوع بشر توجه کند و در صدد ایجاد وحدت، صلح و دوستی و همدلی باشد (نصر، ۱۳۹۳، ص. ۹۹-۱۰۰). وحدت متعالی ادیان یکی از اصولی ترین عرصه‌های تعلیم و تربیت است. همین اصل در بحث تعلیم و تربیت می‌تواند جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. یکی از مهمترین اصل در نظام تربیتی سنت‌گرایی را می‌توان اصل نگاه ویژه به ادیان و نگاه تسامح و تساهل آمیز دانست که مطابق با این اصل، باید دانست که در همه ادیان حقیقت برای خدای گونه شدن وجود دارد و نوعی کنار گذاشتن اختلافات دین نیز هست و در تمام شئون زندگی خویش می‌تواند از آموزه‌های ادیان بهره گرفت. باید شرایط و بستر لازم برای پذیرش و انجام

دستورات لازم برای تحقق اهداف مشترکی که تمام ادیان دنبال می‌کنند یعنی رسیدن به حقیقت باطنی و معنویت در تربیت فراهم گردد.

در نقد عصر مدرن

شکل‌گیری چشم انداز سنتی در عصر مدرن، واکنشی بر سیر نابودی انسان مدرنی است که در جهان عاری از امر قدسی و عاری از معنی گم شده (نصر، ۱۳۸۸، ص. ۵۵). از مهمترین نقدهایی است که سنت‌گرایان به فلسفه و زندگی مدرن وارد می‌آورند در بیان شوان جلوه‌گر است: «همچنان که شوون جوامع در دوره مدرن، به سطوح پایین به شکل عمومی سازی فروکاهیده، عالمان و علامه‌گان پیشین، به دانشمندان متخصص در رشته‌های مختلف علمی تبدیل گشته‌اند و تخصص متخصصان به ریزترین دانشها در آکادمی های علوم بدل شده است، پدیده عوام سازی جایگزین نخبه‌گرایی در آموزش و فراگیری فنون و هنرها شده، و نیز دقت بسیار در حد اتم و ریزتر از آن در همه سطوح علمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، شایع و متداول شده است» (شوان، ۱۳۷۲، ص. ۱۱۲).

ملازمت بین هنر و دین

ملازمت بین هنر و دین چنین است که دین برای اینکه به حیات خویش ادامه دهد، بایستی این عالم را نه فقط از جنبه تجریدی و اندیشه‌ای، که از لحاظ ظاهری نیز از نو شکل دهد، و چون انسان‌ها، پیش از هر چیز، اشکال مادی را بهتر درک می‌کنند، سنت به خلق هنر سنتی [مقدس] می‌پردازد و اشکال مادی را که حیات روزانه مردمان با آن سروکار دارد مطابق با اصول معنوی خود، شکل می‌دهد و خلق می‌کند (نصر، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۳). «هنر سنتی حقایق معنوی و مینوی را انعکاس می‌دهد. بدین صورت این هنر در سطح مادی تجلی‌گاه حقیقت ملکوتی است» (اکوماراسوامی، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۲).

رویکرد سنت‌گرایی در مواجهه با پیچیدگی‌های مدرن

در مواجهه با پیچیدگی‌های جامعه مدرن، سنت‌گرایی نیازمند رویکردی تطبیقی است که بتواند هم‌زمان با حفظ ارزش‌های بنیادین خود، پاسخگوی نیازها و چالش‌های نوظهور نیز باشد. این

تطبیق از طریق تحلیل دقیق شرایط فرهنگی و اجتماعی و درک نیازهای نسل جدید امکان‌پذیر است. به‌کارگیری ابزارهای مدرن مانند فناوری‌های دیجیتال و رسانه‌های نوین می‌تواند به انتقال مؤثر پیام‌های سنت‌گرایانه کمک کند و زمینه‌ای برای ارتباط بهتر با نسل جوان فراهم آورد. همچنین، تأکید بر اصول مشترک ادیان و فرهنگ‌ها نظیر اخلاق، عدالت و معنویت می‌تواند بستری برای وحدت و تعامل میان اقشار مختلف ایجاد کند.

تعامل میان سنت‌گرایی و مدرنیته

برای ایجاد تعامل سازنده میان سنت‌گرایی و مدرنیته، می‌توان از راهکارهای زیر بهره‌گرفت: بازخوانی خلاقانه متون سنتی در پرتو مسائل معاصر، بهره‌گیری از زبان و ابزارهای مدرن برای انتقال مفاهیم سنتی، تأکید بر اصول مشترک اخلاقی و معنوی به عنوان پل ارتباطی، توسعه گفت‌وگوی بین‌نسلی برای تقریب دیدگاه‌ها، تلفیق دانش سنتی با یافته‌های علمی معتبر، و نهایتاً ایجاد سازوکارهای نهادی برای نهادینه کردن این تعامل. این رویکردها می‌توانند ضمن حفظ اصالت سنتی، پویایی و کارآمدی آن را در جهان امروز تضمین نمایند.

با تأکید بر ارزش‌های انسانی و جهانی، نظیر صلح و اخلاق، می‌تواند زمینه پذیرش گسترده‌تری فراهم شود. علاوه بر این، ایجاد فرصت‌های گفت‌وگو میان نمایندگان هر دو دیدگاه، ارائه نمونه‌های موفق تلفیق سنت و مدرنیته، و پاسخ به نیازهای معنوی انسان مدرن از دیگر راهکارهای پیشنهادی است. هنر مقدس نیز به عنوان ابزاری جذاب برای انتقال پیام‌های معنوی مورد توجه قرار گرفته است. بر اهمیت آموزش تدریجی مفاهیم عمیق و پرهیز از تعصب نیز تأکید می‌شود تا مخاطبان احساس تحمیل عقیده نکنند و امکان تعامل سازنده میان این دو دیدگاه فراهم شود.

بررسی انتقادی سنت‌گرایی

سنت‌گرایی با وجود برخورداری از ژرف‌نگری فلسفی و ارائه بدیل معنوی در برابر بحران‌های دنیای مدرن، با چالش‌های جدی‌ای نیز روبروست. از جمله این چالش‌ها می‌توان به نگرش

ایستا به میراث گذشته، عدم ارائه راهکارهای عملی برای مسائل پیچیده جامعه امروز، و ناتوانی در تعامل سازنده با دستاوردهای مثبت تمدن جدید اشاره کرد. همچنین، تأکید افراطی بر وحدت ذاتی ادیان گاه به کمرنگ شدن تفاوت‌های بنیادین مکاتب معنوی و تقلیل ظرائف عقیدتی می‌انجامد. از سوی دیگر، نبود زبان ارتباطی مؤثر با نسل جدید و عدم اقتناع عقلانیت مدرن از دیگر نقاط ضعف این جریان فکری محسوب می‌شود. با این حال، سنت‌گرایی با تأکید بر حکمت جاویدان و توجه به ابعاد متعالی انسان، ظرفیت آن را دارد که با بازنگری در مبانی و روش‌های خود، نقش سازنده‌تری در گفت‌وگوی سنت و تجدد ایفا نماید.

یافته‌ها

با توجه به آنچه به عنوان پیشینه نظری بیان شد می‌توان اهداف و روشهای تربیتی وصول بدان را به صورت ذیل ترسیم نمود:

اهداف تربیت قدسی

سنت تلاش دارد تا جهان درونی انسان را با جهان بیرونی هماهنگ و متحد سازد. در این راستا، آراستگی به فضائل اخلاقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از دیگر اهداف سنت، ایجاد نظم در نفس و رهایی از تشویش و اضطراب است. سنت‌گرایی با تأکید بر پالایش نیت و اعمال درونی، و بهره‌گیری از روش‌های طریقت، به دنبال اتحاد نفس و کشف کارکرد صحیح تمامی امکانات وجودی انسان است تا از این رهگذر، شناخت عالم قدسی ممکن شود. بنابراین، پرورش و تکامل همه ابعاد وجودی انسان در جهت مقاصد اخروی، از اهداف اساسی این رویکرد به شمار می‌رود. وجود انسانی به مانند یک قطعه موسیقی نیازمند وزن و هماهنگی است تا در مسیر صحیح و موزون نواخته شود. ناهماهنگی درونی موجبات ناخوشی‌ها و فساد است که زیبایی زندگانی را می‌ستاند. علاوه بر درون که باید هماهنگ شود، هماهنگی درون با بیرون نیز ضروری می‌نماید. این هدف بر اساس دیدگاه سنت‌گرایان، نیازمند ایجاد هماهنگی

میان تمام ابعاد وجودی انسان است تا فرد بتواند به وحدت و آرامش دست یابد. یکی دیگر از اهداف سنت‌گرایی، یاری به انسان برای کشف عظمت درونی خویش و آشنایی با مفهوم عمیق انسانیت است. این رویکرد با تأکید بر حقیقت‌جویی، می‌کوشد انسان را از سطح ظاهری امور به عمق معنوی و باطنی هدایت کند. سنت‌گرایان بر این باورند که همان‌گونه که انسان خود دارای حقیقت است و آن را می‌فهمد، دیگران نیز چنین‌اند و این درک مشترک می‌تواند زمینه‌ساز اتحاد و همدلی باشد.

هدف نهایی این رویکرد، پرورش انسان‌هایی است که علاوه بر توانمندی‌های علمی، از نظر معنوی و اخلاقی نیز رشد یافته باشند. سنت‌گرایان معتقدند که احیای علم مقدس می‌تواند پاسخی مناسب به بحران‌های معنوی عصر حاضر ارائه دهد و بستری برای تحقق تربیتی جامع و متعالی فراهم کند. بازگشت به ارزش‌های سنتی و قدسی نه تنها در حل بحران‌های معنوی مؤثر است، که می‌تواند راهی برای ایجاد صلح درونی و بیرونی و بازسازی هویت انسانی باشد.

روش‌های تربیتی

بازنمایی دین در قالب زیبایی‌شناختی

انسانی که طبق خصلت درونی‌اش همواره چشم خود را به عالم معنا دوخته بود و از راه دین و وحی تماس مستقیم با این عالم داشت، اکنون توجه خود را به سایه‌گذاران این عالم که همان سیال مادی و به تعبیر دینی «دنیا» است معطوف داشته، وجود عالم معنا را انکار می‌کند.

فهم و شناخت از دین آشفته و مشوش است که باید تصحیح شود. همچنین می‌طلبند تفسیری زیبا و جذاب از آن ارائه شود. با توجه به تعریف متفاوت از دین توسط سنت‌گرایان، چگونه می‌توان تعیین کرد که آیا چیزی سزاوار عنوان دین است یا نه؟ پاسخ آنان بدین شرح است که یک دین برای راست آیین بودن، واجد سمبولیسم و تعالیم جهت برقراری تمایز اساسی میان حق و موهوم، یا مطلق و نسبی باشد و هم راهی را عرضه کند. «برای اینکه یک دین راست آیین باشد

باید بر تعلیمی کاملاً وافی و به مقصود تکیه زند آنگاه باید معنویتی را ستایش کند و فعلیت بخشد که هم‌سنگ این تعلیم است و در نتیجه تقدس را به منزله هم مفهوم و هم واقعیت در محدوده خود گنجانده باشد (الدمدو، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۸-۱۷۷). یعنی داشتن منشا الهی و تعلیم وافی به مقصود و روش معنوی کارآمد.

باید این را تبیین کرد که دین چیزی نیست که در ادوار مختلف از اعتبار ساقط شده و بی استفاده شده باشد. ممکن است به لحاظ صورتشان به انتها رسیده باشند. دین مستقل از اعمال بشری هستند و حقیقت باطنی آن ازلی و ابدی و همواره نو است دین مانند شیشه عطری است که هر وقت درش را باز کنی رایحه قدسی آن فضا را معطر می‌کند (الدمدو، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۲). سنت‌گرایان با تنزل وجود دین به قلمرو مادی و زمانی مخالفت کرده‌اند. اما تجلی و تحقق آن می‌تواند زمانی و مکانی با توجه به تفاوت‌های دریافت کنندگان باشد.

ارائه تفسیری زیباتر از دین به معنای بازنمایی دین در قالبی جذاب، دلنشین و هماهنگ با فطرت انسانی است که بتواند مخاطب را به سمت حقیقت معنوی و قدسی هدایت کند. این روش بر پایه شناخت عمیق از تعالیم دینی و بازتعریف آن‌ها به زبان و شیوه‌ای است که با نیازهای انسان مدرن سازگار باشد. سنت‌گرایان بر این باورند که دین نباید صرفاً به صورت مجموعه‌ای از قوانین و احکام خشک معرفی شود، که باید به عنوان منبعی الهام‌بخش برای تعالی روحی و اخلاقی انسان‌ها عرضه گردد. این تفسیر زیبا می‌تواند از طریق بهره‌گیری از هنر مقدس، نمادها و سمبولیسم معنوی، و تأکید بر جنبه‌های عاشقانه و عمیق دین انجام شود. چنین رویکردی می‌تواند شکاف میان انسان مدرن و امر قدسی را کاهش داده، جذابیت دین را افزایش دهد و زمینه‌ای برای بازگشت به ارزش‌های معنوی فراهم آورد. این روش نه تنها بر درک عقلانی تأکید دارد، که با تحریک احساسات و ایجاد ارتباط قلبی، می‌تواند تأثیر عمیقی بر ذهن و روح مخاطب بگذارد.

هنر مقدس ابزار تعالی

یک اثر هنری اصیل می‌تواند تغییراتی اساسی در بنیان فکری مردمان خود ایجاد کند تا جهان اندیشه را تغییر دهند (لینتن، ۱۳۸۳، ص. ۴۲۵). هنرمندان آموزگاران جامعه خود هستند و قصدشان مخاطب قرار دادن یک جامعه است و تلاش می‌کنند تا با خلق آثار هنری خود ملت‌ها را ترغیب به دیدن و مکاشفه کنند تا شاید با تجدید نظر در نوع بینش خود به تغییر در روش زندگانی، بر پایه تفکر و تعمق بیشتر در باب نیک‌اندیشی شاهد تغییرات باشند و اسباب قوام‌یافتگی فکری، فرهنگی و اجتماعی را برای جهانی زیباتر مهیا کنند (همان، ص. ۴۲۵). معرفت‌سستی می‌تواند در قالب هنر مقدس انتقال پیدا کند یا تعلیم داده شود. چون که انسان در جهان صورت زندگی می‌کند، برای رسیدن به بی‌صورت به صورت‌ها نیازمند است (نصر، ۱۳۹۲، ص. ۲۹۷).

در نظرگاه سنت‌گرایان «زیبایی از نوعی همگرایی برخوردار است و باعث می‌شود عناصر از هم‌گسیخته، جان و روان با نوعی آرامش، کنار هم قرار گیرند. به همین دلیل زیبایی به آرامش مربوط می‌شود و قدرت آرام‌سازی قابل توجهی دارد» (نصر، ۱۳۹۴، ص. ۲۹۴). نگاه سنت‌گرایان به دین و مقصود آن رفع همه شکاف‌های درونی انسان با استفاده از ایجاد جذابیت است که قلب را تحت تأثیر خود قرار دهد و از این طریق حس معنویت را در وی ایجاد کند. برای مثال «وقتی در یک اثر هنری حقیقتا قدسی تأمل می‌کنیم، همه نفس ما، یکجا، به صورت یک کل واحد جمع می‌شود، چنان‌که گویی به یک فراخوان زمینی پاسخ می‌دهد» (لینگز، ۱۳۹۶، ص. ۶۶).

حکمت جاویدان می‌خواهد راه و روش تفسیر انسان را در اختیار او بگذارد. در این دیدگاه، از طرفی تنها راه استکمال انسان، دستیابی به خود درونی و الهی‌اش از مسیر هنر است (شوان، ۱۳۸۸، ص. ۵۹). از اهداف اصلی و کلی سنت‌گرایی که دلیل حضور در عرصه مدرن نیز هست، احیای امر قدسی یا همان سنت است. حلقه مفقوده عصر مدرن همان معنویتی است که به نظر می‌رسد باید بازگردانده شود و احیای ارزش‌های سنتی نیز بر همین این اصل استوار است. «در

جهان سنتی حقیقت همراه با هاله‌ای از زیبایی به مرتبه انسان فرود می‌آید. هنر سنتی، حاوی معرفت، شکوه و زیبایی است و از این رو می‌خواهد نمایانگر و نشانگر حقیقت ازلی باشد» در نتیجه انعکاس حقایق معنوی توسط هنر، نقش تربیتی را داراست (نصر، ۱۳۹۱، ص. ۲۱۹-۲۱۸).

هنر مقدس در دیدگاه سنت‌گرایان ابزاری برای انتقال حقایق معنوی و قدسی است که از طریق زیبایی و جذابیت، مخاطب را به سوی حقیقت متعالی هدایت می‌کند. این هنر، برخلاف هنر مدرن که اغلب به فردگرایی و بیان شخصی گرایش دارد، بر پایه اصول معنوی و وحیانی شکل می‌گیرد و هدف آن ایجاد هماهنگی میان جهان درونی و بیرونی انسان است. هنر مقدس به واسطه بازنمایی جلوه‌های الهی در قالب‌های محسوس، می‌تواند حس معنویت را در انسان بیدار کرده و او را به تفکر و تأمل عمیق‌تری درباره جایگاه خود در عالم و ارتباطش با مبدأ هستی سوق دهد. از این منظر، هنر مقدس نه تنها وسیله‌ای برای بیان زیبایی‌شناسی است، که ابزاری تربیتی است که از طریق آن انسان می‌تواند به تعادل درونی دست یابد و به وحدت با حقیقت قدسی نزدیک شود. هنر مقدس با ایجاد فضایی از آرامش و جذابیت معنوی، می‌تواند نقش مؤثری در تربیت دینی ایفا کند و انسان را از سطح ظاهری زندگی به عمق باطنی آن هدایت نماید. این هنر، به‌عنوان پلی میان صورت و معنا، مخاطب را از تفرقه و تضادهای دنیای مادی رها کرده و به سوی وحدت و آرامش باطنی رهنمون می‌سازد. هنر می‌تواند ابزاری قدرتمند برای انتقال مفاهیم دینی باشد.

تعلیم حکمت

حکمت یعنی اندازه نگه داشتن، یعنی به تعادل رسیدن و در تعادل ماندن. انسان نباید تا ابد گرفتار یک اندیشه باشد. اندیشه نور را باید به مخاطب آموخت؛ می‌توان مخاطب را به باطن توجه داد که افقی گشوده و روشن است. [سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ أُنْفُسِهِمْ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكُنْ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ] «فصلت، آیه، ۵۳». ما در آینده نزدیکی آیات خود را در

اطراف جهان و در درون جانیشان به آنان نشان خواهیم داد، تا بر ایشان روشن شود که قطعا او حَقّ است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۷).

روش تعلیم حکمت در سنت‌گرایی بر اساس تعادل‌بخشی میان جنبه‌های ظاهری و باطنی انسان و پرورش ابعاد معنوی او استوار است. حکمت به معنای تعادل، اندازه‌نگه‌داشتن و رسیدن به کمال درونی تعریف می‌شود و هدف آن تهذیب نفس و تقویت قوه عقلانی و شهودی است. در این روش، انسان از سطح ظاهری امور فراتر رفته و به حقیقت باطنی دست می‌یابد. برای دستیابی به این هدف، آموزش باید به گونه‌ای باشد که مخاطب را به تفکر عمیق وادارد و او را از محدودیت‌های ذهنی رها سازد. سنت‌گرایان معتقدند که تعلیم حکمت باید به نحوی صورت گیرد که فرد بتواند از طریق تأمل در آیات الهی، نظم و هماهنگی درونی خود را بازیابد و به وحدت با عالم هستی برسد. این روش بر پایه ارائه آموزه‌هایی است که نه تنها ذهن را تغذیه می‌کنند، که روح را نیز تعالی می‌بخشند. تعلیم حکمت همچنین بر اهمیت فهم شهودی تأکید دارد و فرد را به سوی شناخت عمیق‌تر از خود و جهان هدایت می‌کند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که روش تعلیم حکمت در سنت‌گرایی، راهی برای بازسازی تعادل درونی، تقویت معنویت، و رسیدن به کمال انسانی است.

تعادل یابی عقل

بازیابی تعادل در عقل انسان را از کشاکش نیروهایی که وی را در جهات مختلف می‌کشند، می‌رهاند. در دنیای متجدد، فروکاستن عقل شهودی به عقل استدلالی سبب شد که معرفت قدسی غیر قابل دسترس و بی معنا شود. بنابراین برای احیای سنت نیازمند شرح آن است (نصر، ۱۳۸۸ص، ص. ۴). از این رو تعالیم پایه‌ای ادیان ضروری می‌نماید.

شوان دو مشرب باطنی را مطرح می‌کند و مشرب باطنی را مکمل مشرب ظاهری می‌داند، «روح مکمل حرف است؛ جایی که حقیقتی برآمده از وحی و بنابراین صوری و الهیاتی وجود

دارد حقیقتی برآمده از تعقل شهودی و بنابراین غیر صوری و مابعدالطبیعی نیز باید وجود داشته باشد» انسان علاوه بر شناختن خویش باید از خویش فراتر رود. اگر بت‌های کاذبی که ساخته خود بشر است شکسته شود و بار دیگر انسان به جست و جوی معبودی واقعی محتاج شود. باید به این نگرش رسید که با نور حق است که می‌توان عالم را به نظاره بنشیند. در فهم دیدگاه مکتب سنتی یا حکمت جاوید برای مطالعه ادیان به مثابه آن چنانکه هست، ضروری است که به برخی خصوصیات بنیادی دیدگاه واقعی یا متافیزیکی که همه تعالیم این مکتب را در بر می‌گیرد، اشاره شود (شوان، ۱۳۹۳، ص. ۸۹).

احیای مقوله امر قدسی

در عصر حاضر نیز تشنگی انسان‌ها برای یافتن معنا هنوز باقی است. احیای امر قدسی در این عصر یک ضرورت است. فقط روش سنتی و آن شیوه مطالعه ادیان که بر مفهوم قدسی از خود معرفت مبتنی است، می‌تواند هم از شعارهای مؤدبانه و هم جر و بحث‌های تعصب آمیز فراتر رود (نصر، ۱۳۸۸، ص. ۵۷۴). به این ترتیب، معرفت قدسی گران‌بهارترین راه علاج را برای عالمی که در اثر آفت تخلیه درک امر قدسی از همه زندگی و اندیشه [بشر] پژمرده است، فراهم می‌کند (همان، ص. ۵۷۵). شناخت اصیل و قدسی از دین، معنای هر صورت مقدس را در بافت آن عالم معنوی ای می‌نگرد که به آن تعلق دارد (نصر، ۱۳۸۸، ص. ۵۶۶).

«انسان معاصر در اثر پاک شدن نشان الوهیت از جبین بشر بسیار نیازمند بازیابی امر قدسی است»، اما این جست و جو همیشه موفقیت آمیز نبوده است. تعالیم ناقص و جست‌وگریخته امروزی با دیدگاه استدلال‌گرایی، نتوانسته به حقایق معنوی راه یابد. به نظر می‌رسد این خلأ در تأسی به دین و حیانی قابل وصول است. برای فهم پدیده‌های دینی گوناگون دو عنصر حقیقت و حضور که مشخصه تمامی ادیان هستند، می‌توان یافت. هر دین تمام عیار هم باید هر دو عنصر را واجد باشد (نصر، ۱۳۸۸، ص. ۵۶۹).

روش بازخوانی مقوله امر قدسی در سنت‌گرایی مبتنی بر رویکردی جامع به معرفت و معنویت است که تلاش دارد تا انسان مدرن را از بحران‌های هویتی و معنوی نجات دهد. این روش بر بازتعریف و ارائه تفسیری زیبا و جذاب از دین، بهره‌گیری از هنر مقدس برای ایجاد جذابیت و تأثیرگذاری عمیق بر قلب‌ها، و تقویت مسیرهای باطنی برای اتصال به حقیقت متعالی تأکید دارد.

محوریت معنویت

سنت‌گرایان معتقدند بسیاری از بحران‌های حاصله در دوره جدید، نگرش ناقص و منفصل به عالم است. آنچه به انسان هویت می‌دهد اتصال به معنویت است و این فقط خاص انسان است. نگاه معنوی به عالم، کلید حل بحران‌های حاصله در عصر مدرن است (لینگز، ۱۳۹۶، ص. ۶۴-۵۹).

رهنمونی از صورت به معنا

عالم ماده عالم تفرقه و تضاد و قصور است عالم ترکیب است. غم و شادی در هم تنیده است اما عالم معرفت عالم وحدت و حضور و روشنایی است. تنها راه نجات از تفرقه معرفت است. با ظهور تکنولوژی و ابزار مدرن انسان متجدد به فراموش کردن خویش تن داد، در واقع، در آتشی که خود افروخته گرفتارگشته. ماده به طور پیشفرض حجاب است و باید از این سطح فراتر رفت و نور معرفت را فرصت تابیدن داد. حقایقی که قبلا در دسترس بوده بیش از پیش مخفی و دست نیافتنی شده است. تربیت مدرن بدن را تربیت می‌کند درحالی که این نفس است که باید تربیت شود. اشتباه تمدن جدید، یعنی این اشتباه که به ناحق انباشت کمی اطلاعات را به جای راه‌یابی کیفی به معنای باطنی می‌گیرد (نصر، ۱۳۸۹، ص. ۲۹). از آنجایی که رسیدن به قلمرو باطن تنها از طریق قلمرو ظاهر میسر است پس برای مخاطب باید صورت‌ها را برای دست‌یابی به باطن، خلق کرد و آراست و علت توجه ویژه سنت‌گرایی به هنر نیز همین است «کلیت هر میراث معنوی بزرگ بر شالوده مؤلفه‌های صوری وضع شده از جانب خدا استوار است» (همان، ص. ۱۸۴).

تمدن مدرن به جای تمرکز بر تربیت باطنی انسان، به تربیت بدن و انباشت اطلاعات کمی

روی آورده است، در حالی که از دیدگاه سنت، هدف اصلی آزادی انسان از محدودیت‌های نفس ظاهری و تأثیرات سطحی است. این آزادی تنها از طریق ابزارهای سنتی ممکن می‌شود، چرا که برای رسیدن به معنا و باطن، عبور از ظاهر امری ضروری است. به همین دلیل سنت‌گرایی به هنر توجه ویژه‌ای دارد، زیرا هنر می‌تواند صورت‌هایی بیافریند که راه را برای دست‌یابی به باطن هموار کند. این دیدگاه بر این باور استوار است که هر میراث معنوی بزرگ بر پایه مؤلفه‌های صورتی الهی شکل گرفته است.

نتیجه‌گیری

بر پایه تحلیل مبانی فلسفی سنت‌گرایان، این پژوهش به این نتیجه استنتاجی دست یافته است که احیای علم مقدس در نظام تربیتی معاصر، نه تنها ممکن بلکه ضروری است. چارچوب به‌دست‌آمده از این تحلیل نشان می‌دهد که تربیت مبتنی بر علم مقدس می‌تواند با پنج محور اصلی به بحران‌های معنوی عصر مدرن پاسخ گوید: نخست، با ارائه الگویی یکپارچه از انسان که هم‌زمان به بُعد مادی و معنوی او توجه دارد؛ دوم، با تأکید بر پرورش عقل شهودی در کنار عقل استدلالی؛ سوم، با بهره‌گیری از هنر مقدس به مثابه واسطه‌ای برای انتقال مفاهیم متعالی؛ چهارم، با بازتعریف دین در قالب زبانی جذاب و هم‌خوان با فطرت انسانی؛ و پنجم، با ارائه راهکارهای عملی برای تلفیق سنت و مدرنیته در سطوح برنامه‌ریزی درسی و روش‌های تربیتی. این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد سنت‌گرایانه، با وجود چالش‌های پیش‌رو، ظرفیت نظری و عملی لازم برای ارتقای تربیت در جهان امروز را داراست.

در مقام نقد

سنت‌گرایی با همه ژرفای نظری در تبیین بحران‌های معنوی مدرنیته، از ضعف‌های عملی چشمگیری رنج می‌برد. ناتوانی در ترجمه مفاهیم انتزاعی به زبان ملموس برای نسل جدید، غفلت از ارائه راهکارهای عینی برای مسائل پیچیده جامعه معاصر، و عدم تعامل سازنده با

دستاوردهای خردورزی مدرن از جمله این کاستی‌هاست. با این حال، ظرفیت سنت‌گرایی در احیای حکمت جاویدان و توجه به ابعاد متعالی انسان، می‌تواند با بازسازی روش‌شناختی، به گفت‌وگوی سازنده‌تری با جهان مدرن بینجامد.^۱

۱. بازخوانی، بازنویسی و وضوح‌بخشی این مقاله با استفاده از هوش مصنوعی DeepSeek انجام شده است. همچنین در نگارش این مقاله از متون اصلی و دست‌اول مرتبط با سنت‌گرایی بهره‌گیری شده است. لازم به تأکید است که ایده‌های محوری، چارچوب نظری، تحلیل‌ها، استدلال‌ها و استنتاج‌ها حاصل پژوهش و اندیشه نویسنده بوده و هوش مصنوعی در نقش دستیار ویرایشی و بهبود بیان عمل نموده است.

منابع

- آرمانی، حمید (۱۴۰۱). جایگاه هنر مقدس در تربیت عصر نوین، دوفصلنامه فلسفه تربیت، ۷(۱)، صص. ۷۴-۵۱.
- الدمو، کنت (۱۳۸۹). سنت‌گرایی دین در پرتو فلسفه جاویدان، ترجمه رضا کورنگ بهشتی، تهران: حکمت.
- باقری، خسرو، سجادی، نرگس و توسلی، طیبه (۱۳۹۴). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۹۴). کیمیا: علم جهان علم جان، ترجمه گلماز رعدی آذرخشی و پروین فرامرزی، نشر کیمیای حضور.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۹). جهان‌شناسی سنتی و علم جدید، ترجمه حسن آذرکار، نشر حکمت.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۴). درآمدی بر آیین تصوف، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- باقری‌نیا، حسن (۱۳۹۵). تبیین تطبیقی مبانی فلسفی رویکرد سنت‌گرایانه حسین نصر و رویکرد نگرایانه حامد ابوزید در آسیب‌شناسی تربیت دینی، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۹۵). در جست‌وجوی امر قدسی، ترجمه مصطفی شهرآیینی، تهران: نشر نی.
- حسن‌زاده، صالح و شیخ، مهدی (۱۳۹۵). رابطه سنت‌گرایی با معرفت دینی، فصلنامه علمی پژوهشی آینده معرفت.
- شوان، فریتیوف (۱۳۸۸). انسان‌شناسی معنوی، ترجمه علیرضا رضایت، اطلاعات حکمت و معرفت.
- شوان، فریتیوف (۱۳۸۸). کاست‌ها و نژادها، ترجمه بابک عالی‌خانی و کامران ساسانی، تهران: حکمت.
- شوان، فریتیوف (۱۳۸۱). گوهر و صدف عرفان اسلامی، ترجمه مینو حجت، تهران: سهروردی.
- فرهنگ، علیرضا (۱۳۹۴). ساحت و حیانی دین از منظر سنت‌گرایان و نواندیشان دینی معاصر، فصلنامه اندیشه دینی.
- قرلسفلی، محمدتقی و زارع، ویدا (۱۳۹۵). معنازدگی و بی‌هویتی مسلمان در جهان مدرن، مجله علوم انسانی اسلامی.
- کوماراسوامی، آندانا (۱۳۸۶). فلسفه هنر مسیحی و شرقی، ترجمه امیرحسین ذکرگو، تهران: فرهنگستان هنر.
- کوئین، ویلیام (۱۳۹۵). یگانه سنت، ترجمه رحیم قاسمیان، نشر کیمیای حضور.

- گنون، رنه (۱۳۹۳). بحران دنیای متجدد، ترجمه حسن عزیزی، نشر کیمیای حضور.
- لینگز، مارتین (۱۳۹۶). باورهای کهن و خرافه‌های مدرن، ترجمه سعید تهرانی نسب، تهران: حکمت.
- مهدوی، منصور و کرباسی‌زاده، علی (۱۳۹۰). نقد و بررسی سنت متعالی ادیان در گفتمان سنت‌گرایی، معرفت ادیان.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۶). معرفت و امر قدسی، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران: نشر فروزان روز.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۵). گلشن حقیقت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: نشر سوفیا.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۳). نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میان‌داری، قم: نشر طه.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۲). انسان سنتی و مدرن، ترجمه مهدی نجفی افرا، تهران: جامی.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۱). در مسیر سنت‌گرایی، ترجمه مسعود رضوی، نشر علم.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۸). معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: نشر سهروردی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۲). آموزه‌های صوفیان از دیروز تا امروز، ترجمه حسین حیدری و محمدهادی امینی، تهران: قصیده‌سرا.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۰). هنر مقدس در فرهنگ ایران، ترجمه محمد آوینی، نشریه هنر دینی. شماره ۲.
- لینتن، نوربرت (۱۳۸۳). هنر مدرن، مترجم علی رامین، نی: تهران.
- عباس‌تبار، رحمت و زارع، ویدا (۱۳۹۵). معنازدگی و بی‌هویتی مسلمان در جهان مدرن.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۸۷). دفتر عقل و آیت عشق، ج ۱. هرمس.

Frithjof Schuon (1976), *Islam and the Perennial Philosophy*, Al Tajir Trust.

Nasr, S.H. (1972), *Sufi Essays*, First published, London: George Allen & Unwin Ltd.

Pallis, M. (1991), *The Way and the Mountain*, London.

Schuon, F. (1981), *Esoterism as Principle and as Way*, Translated by William Stoddart, London: Perennial Books.